

«وفاق» می‌تواند هم یک مفهوم اجتماعی و هم یک توصیه دینی باشد. آن‌گونه که دکتر پزشکیان اشاره می‌کنند، منظور از «وفاق» این است که اهداف و برنامه‌های کشور با همبستگی و یکپارچگی دنبال شده و به مرحله اجرا برسند. ایشان همواره بر سیاست‌های کلی، برنامه‌ها و قوانین کشور تأکید دارند و معتقدند که پیگیری این اهداف باید با «وفاق» و همدلی صورت گیرد. این رویکرد طبیعتاً ریشه در آموزه‌های دینی و سنت‌هایی دارد که بر وحدت و «وفاق» در جامعه مسلمانان تأکید می‌کنند. ایشان با ذکر احادیث و روایات، بر مفاهیمی چون برادری بین مسلمانان و توصیه‌های مشابه تأکید می‌ورزند. از منظر ایشان، جامعه باید یکصدا در جهت تحقق اهداف کشور گام بردارد. همچنین، با توجه به تجربیات تاریخی، معتقدند که اختلافات باعث عقب‌ماندگی می‌شوند و دستیابی به اهداف تنها از طریق وحدت و «وفاق» امکان‌پذیر است. آقای پزشکیان با عنایت به تجربیاتشان در مناصب مختلف (وزارت و نمایندگی مجلس)، بر این باورند که برای پیشبرد برنامه‌های کشور، سطحی از «وفاق» ضروری است. در غیر این صورت، کارشکنی‌ها، اختلافات و نزاع‌ها مانع از دستیابی کشور به اهداف مورد نظر خواهند شد.

ایشان بر این نکته نیز تأکید دارند که «وفاق» میان جناح‌های سیاسی مختلف (اصولگرا و اصلاح‌طلب) می‌تواند به کشور کمک کند، از هدر رفتن انرژی‌ها و فرصت‌ها جلوگیری نماید و موجب هم‌افزایی توانمندی‌های گروه‌های سیاسی شود. بنابراین، «وفاق» مفهومی است هم در عرض و هم در طول. به این معنا که دولت و ملت باید در «وفاق» باشند و این «وفاق» نباید محدود به دولت بماند. بلکه در درون دولت، گروه‌های سیاسی و احزاب، و همچنین در عرصه ملی و در میان مردم نیز باید این «وفاق» شکل بگیرد. افزون بر این، «وفاق» یک مفهوم اجتماعی را نیز در خود جای داده است.

#### تفاوت میان «مردم» و «جامعه» چیست؟

«جامعه» و «ملت» سطحی بالاتر از «مردم» هستند؛ یعنی مردمی که به یک اجماع و «وفاق» رسیده‌اند. جان لاک، جامعه‌شناس شهیر و بنیانگذار مفهوم «وفاق اجتماعی» در دوران مدرن و عصر دولت-ملت، به این نکته اشاره می‌کند که برای گذر از مرحله «مردم» و آحاد افراد به «جامعه» و «ملت» که خاستگاه دولت هستند، نیازمند سطحی از اجماع و «وفاق» هستیم.

#### این اجماع و «وفاق» چه کمکی می‌کند؟

این هم‌رأیی سبب می‌شود که در بخشی از ادراک و فهم مصالح جامعه، همگان به یک نظر واحد برسند. به همین دلیل «منافع ملی» تعریف می‌شود و این «منافع ملی» دیگر حوزه‌ای است که نباید مورد خدشه قرار گیرد.

#### اما اگر «وفاق» را مینا و رویکرد دولت در حل چالش‌ها و پیشبرد خواست‌ها در نظر بگیریم چنانکه دولت چنین متصور است، زمینه‌ها و بسترهای تاریخی جامعه با این انگاره همخوان نیست.

از سوی دیگر، در مراحل توسعه سیاسی نیز با یک عقب‌ماندگی تاریخی مواجه هستیم و هنوز به آن «وفاق اجتماعی» که موجب رعایت حقوق دیگران می‌شود، نرسیده‌ایم. «وفاق اجتماعی» سبب می‌شود که حتی در نیمه‌های شب نیز از چراغ قرمز عبور نکنیم، هنگامی که شاهد سرقت از خانه دیگری (و نه فقط خانه خودمان) هستیم، به پلیس اطلاع دهیم و در رقابت‌های سیاسی، از «منافع ملی» عبور نکنیم. متأسفانه، این اصول به طور روزمره توسط برخی از سیاستمداران در کشور ما نقض می‌شود. فردی در رسانه یا تلویزیون به اظهار نظر می‌پردازد و نه تنها دیدگاه خود را بیان می‌کند، بلکه برای کشور هزینه ایجاد می‌کند و به جای انتقاد سازنده، به تخریب روی می‌آورد. عدم رعایت این مرزها، ناشی از عدم درک صحیح از «وفاق اجتماعی» است. «منافع ملی» کشور، در واقع بر همین «وفاق اجتماعی» استوار است. اما نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این است که «وفاق» یک رویکرد است و نه لزوماً یک گفتمان. دولت در عرصه سیاست داخلی و خارجی، گفتمان‌های خاص خود را دارد؛ به عنوان مثال، تمرکززدایی که از سوی رئیس‌جمهوری

و برخی از اعضای دولت مطرح می‌شود، یک گفتمان است. اما «وفاق» در واقع رویکردی است که به ما می‌گوید گفتمانی را که تعریف می‌کنیم و اهدافی را که کشور دنبال می‌کند، باید از طریق «وفاق» پیگیری کنیم. بنابراین، نباید این دو مفهوم را با یکدیگر اشتباه کرد. «وفاق» گفتمان دولت نیست، بلکه روش و رویکرد دولت برای تأمین اهدافی است که کشور دارد و در راستای گفتمانی است که دولت به آن باور دارد.

به زمینه‌های فکری و اندیشه‌ای این رویکرد اشاره کردید اما به نظر می‌رسد دولت آقای پزشکیان ایده «وفاق» را بیشتر از منظر اخلاقی، توصیه و ارزشی مورد توجه قرار می‌دهد و نه به عنوان یک امر سیاسی. بنابراین تا الان با وجود همه این تأکیدها و تلاش‌هایی که ایشان با تکرار این مهم در نشست‌های مختلف و حتی در بحث‌های داخلی انجام داده، نتوانسته است به لحاظ سیاسی، زمینه‌های شکل‌گیری «وفاق» را فراهم آورد. نظر شما در این رابطه چیست؟

این موضوع به همان دلیلی برمی‌گردد که پیش‌تر اشاره کردم. پاید میان اهداف یک دولت و روش‌های آن تفکیک قائل شد. اگر «وفاق» هدف دولت باشد، آنگاه همان می‌شود که شما می‌گویید؛ یعنی این احساس به وجود می‌آید که دولت صرفاً در حال توصیه کردن است. اما واقعیت این است که دولت در بخش‌های مختلف، برنامه‌های کلی کشور را مد نظر دارد و سیاست‌گذاری‌های خاص خود را دنبال می‌کند. «وفاق» یک روش است. شاید اینکه در کلام و گفتار آقای رئیس‌جمهوری، «وفاق» این قدر برجسته شده، به این دلیل است که ایشان طی دوره‌های مختلف دیده‌اند که بسیاری از گفتمان‌ها و برنامه‌ها قربانی عدم «وفاق» شده‌اند. برداشت ایشان این است که رقابت سیاسی در کشور، رقابتی سالم نیست و در چهارچوب مشخصی جریان ندارد. در نتیجه، دولتی روی کار می‌آید و به قدرت می‌رسد، اما گروه‌هایی می‌توانند مانع کارش شوند و از تحقق برنامه‌هایش جلوگیری کنند. شاید تجربیات آقای دکتر پزشکیان باعث شده که تأکید ایشان بر «وفاق» بسیار پررنگ، غالب و تقریباً روزمره و هفتگی باشد. به عبارت دیگر، تجربه شکست برنامه‌ها و عدم تحقق اهداف دولت‌ها به دلیل کارشکنی مخالفان و عدم همراهی برخی گروه‌ها، این موضوع را در ذهن آقای رئیس‌جمهوری بسیار برجسته کرده است.



برای مشاهده فیلم  
بار کد را اسکن کنید